

شیرزادی شیخ سرخ الدین، احمد. ۱۳۴۷

رازشیدایی، سیری بوزلدگی شهید خیدان مرادی / ۸۸ صفحه

نویسنده: احمدشیرزادی شیخ سرخ الدین / کرمانشاه

فهرست نویسی فیما - سرگذشتنامه شهید خیدان مرادی

شابک: ۵-۶۷۷۳-۰۴-۹۶۴-۹۷۸

کدده بندی کتک: ۸۱۳۹۱ رن۹/ PIR ۸۰۹۷

رده بندی دیویی: ۸۵۳/۶۱

انتشارات: سرانه

رازشیدایی

مؤلف: احمد شیرزادی

نوبت چاپ: اول - آذر ۱۳۹۲

شمارگان: ۱۰۰۰

قیمت: ۵۰۰۰ تومان

شابک: ۵-۶۷۷۳-۰۴-۹۶۴-۹۷۸

تلفن نویسنده: ۰۹۱۸۶۲۳۳۹۵۶

ویراستار: همایون پرندین

طراح جلد: لطف اله مرادی

چاپخانه:

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تهران

فهرست

صفحه	عنوان
۱	سپاسنامه
۲	حرف دل
۳	زله زرد گهواره ی پر لالی
۷	عملیات در منطقه میمک
۱۵	رنگ اخلاص
۱۷	مرد موسایی
۲۰	اولین باری که او را دیدم
۳۴	تاروپودی از لطافت گل تا گستاخی پولاد
۴۰	یک به ده، ده به صد، صد به هزار
۴۳	بای عشق
۴۶	یک مرد و یک میدان
۴۸	گوش برها آماج شجاعت خیدان مرادی
۵۶	سکه ای که درخشید
۶۳	تحلیلی پیرامون دیدگاهها و عملکرد سردار شهید خیدان مرادی
۸۸	منابع :
۸۹	واژنامه

بعون الله الملك لاعلی

خدایا ترا سپاس، به خاطر آن چه که شناخته و درک کرده و هر آن چه که ندیده،
نشناخته و درک نکرده ام. ترا سپاس که قدرت اندیشیدن را عطا کردی تا بتوانم با
کلماتی که به من آموختی با تو حرف بزنم و به تو ملحق شوم. خدایا ! تو با واژه ها ،
ما را دوباره با عشق خود در آمیختی و پرتوهای حقیقت را در درونمان افروختی . بار
خدایا ! به اراده ات سوگندت می دهم ؛ به همان اراده ای که واژه ها را در مخیله ها
می نشاند، به این قلم نارسایم مفاهیم بلندت را بباران تا مهر تابانت از آن جاری
شود و بتوانم از پس وظیفه ای که مردان و زنان مبارزت با پرپر شدنشان بر دوشم
نهادند، برآیم! خدایا ! آن چه را که شایسته - ی خلیفه ی تو بودن است بر قلبها و
عقلهایمان الهام نما و ما را به نور کتاب آسمانیت منور کن تا از تاریکی ها رهایی
یافته و خویشتن را به زلال توحیدت در افکنیم!

حرف دل

با توام ای عزیز! با فطرت حق گرایت ، با خرد و فهم نورانی و خدایت ، که می خواهی حقیقت تاریخ پیچیده در قامت رعناى مردان و زنان مبارزت را بی پیرایه نظاره کنی ، با تو که می خواهی عمق درد و رنج مردان و زنانی را که برای آزادی، برای پرزددنت، برای هویت، برای تاریخ گذشته، حال و آینده ات و در یک کلام برای ماندنت، هر آنچه را که داشتند بی ریا و بی منت، فی سبیل الله به تو هدیه کردند و آرامش و آسایش خود و خانواده هایشان را به پای ماندگاری و آسایش تو فدا کردند، درک کنی .

آری برادر این چنین بود! مردان و زنانی سیر فرود شمشیرهای آخته ی دشمن شدند تا تو زخم برنداری! سینه هایشان را از زیر بارش تیرهای دشمنان تو پس نکشیدند تا تو بیاسایی! پاهایشان را چون ستون خیمه ی حریت بر زمین کوبیدند تا آسمانت سیاه نگشته و به نوکری استکبار در نیایی!

اما ای عجب! کاسه های سر خیلی از آنها به پرواز درآمد! پاهایشان متلاشی شد ، سینه هایشان شکافت تا مردانگی نمیرد ؛ تا استقلال و آزادی از دل زمین و زمان بجوشید و تو سرافراز در سینه ی تاریخ بر خود ببالی و سرو شاداب همه ی دوران ها باشی .

به همین خاطر متن پیش رو به زندگی یکی از مردان مرد تاریخ زرین دفاع مقدس پرداخت است . شیرمردی به نام «خیدان مرادی» که جبهه های غرب و جنوب ،